«وزیری» با اجرای آثار کیوان ساکت روی صحنه می‌رود

گروه موسیقی «وزیری» به آهنگ‌سازی کیوان ساکت و خوانندگی وحید تاج در تالار وحدت روی صحنه خواهد رفت. به گزارش ایلنا، گروه «وزیری» به سرپرستی و آهنگ‌سازی کیوان ساکت کنسرتی را دهم اسفندماه از ساعت ۲۱:۳۰ با خوانندگی وحید تاج در تالار وحدت برگزار خواهد کرد. اردیبهشت و خرداد امسال نیز گروه وزیری با همین ترکیب و با خوانندگی وحید تاج تصانیفی از ساخته‌های کیوان ساکت را مانند «بهار دیگر»، «بی کاروان کولی» و «افسانه»، به همراه چند قطعه کلاسیک قدیمی و چندساز و آواز به اجرا درآورده بود.

لذت شعر

تو را باید به دستور زبان اضافه کنند
تو
ضمیر ناخودآگاه شعرهای منی

کامران رسول‌زاده

نکن کاری که باشد در دسرساز
گذشتن از مرا از سر بینداز
زبانم مودر آورد و تو گفتی
«کبوتر با کبوتر باز با باز»

صدیقه کشتکار

نه شالی
نه کلاهی
نه چتری...
راست می‌گویند
آدمی که برای همیشه می‌رود
هیچ چیزش را جا نمی‌گذارد
نه شالی، نه کلاهی، نه چتری
بگو چگونه تحمل کند این خانه زمستانی را
که از چمدان تو
جامانده است

لیلا کردبچه

احساس شهری بین راهی در من است
من در میانه ایستاده‌ام
میان آمدن
و رفتنت...

علیرضا روشن

***

سهمی از آنچه هست به این خوان نمی‌رسد؟
یعنی از این ولیمه به انسان نمی‌رسد؟
آه ای شما که می‌نگریدم چنان غریب
آیا فقط منم که به سامان نمی‌رسد؟

مهدی میرزارسول‌زاده

ادبی

شاعر مُرده جایزه نهایی «کاستا» را برد

جایزه کتاب سال «کاستا»، هفت ماه پس از درگذشت «هلن دانمور» به او تعلق گرفت. به گزارش ایسنا، «تلگراف» نوشت: «هیئت داوران جایزه مهم ادبی «کاستا» از میان برندگان پنج بخش داستان، زندگی‌نامه، رمان نخست، شعر و کتاب کودک، این بار برنده بخش شعر یعنی «هلن دانمور» فقید را به عنوان برنده جایزه کتاب سال برگزید.» این شاعر ۶۴ ساله در ماه ژوئن ۲۰۱۷ بر اثر ابتلا به سرطان جان خود را از دست داد و برای دهمین مجموعه شعرش با عنوان «درون امواج» این جایزه را پس از مرگ به نام خود زد. جایزه «کاستا» یکی از معتبرترین و مشهورترین جایزه‌های ادبی در انگلیس است که کتاب‌ها و نویسندگان مطرح در انگلیس و ایرلند براساس آن شناخته می‌شوند.

برگزیده جایزه «ابوالحسن نجفی» معرفی شد

در مراسم پایانی جایزه «ابوالحسن نجفی» (زبان‌شناس، مترجم، ادیب و منتقد فقید) که عصر سه‌شنبه، دهم بهمن‌ماه در شهر کتاب مرکزی برگزار شد، محمد همتی برای ترجمه «مارش رادتسکی» نوشته یوزف روت برنده نشان و لوح تقدیر جایزه نجفی و پنج سکه بهار آزادی شد. همچنین قرار است آبتین گلکار که سال گذشته برنده جایزه نجفی بود، یک سکه بهار آزادی به برنده جایزه اهدا کند. جایزه «ابوالحسن نجفی» به مناسبت پاسداشت مقام علمی و فرهنگی این چهره فقید و تشویق نسل جوان در انتخاب آثار برای ترجمه و توجه به درست‌اندیشی و درست‌نویسی برگزار می‌شود.

گفت‌وگو با آرش خیرآبادی منتقد، نمایش‌نامه‌نویس و مدرس تئاتر درباره هنر نمایش‌نامه‌نویسی

کم کم کلمات بلند می‌شوند، نقش بازی می‌کنند

مهسا فارسی- خیلی‌ها خواندن نمایش‌نامه را هم به شکل دست‌نخورده و در قالب کتاب دوست دارند و هم وقتی نمایش نامه عناصر تصویر را به خدمت خود می‌گیرد و اجرا می‌شود. اما برای این که بیشتر با نمایش نامه آشنا شویم و بدانیم نمایش نامه‌نویس کیست، برای نوشتن نمایش‌نامه چه راهی را باید انتخاب کرد و چه کتاب‌هایی را باید بیشتر خواند، به سراغ «آرش خیرآبادی»، منتقد، نمایش‌نامه‌نویس و مدرس تئاتر رفتیم تا به سوالات ما پاسخ دهد. در ادامه می‌توانید پاسخ این نمایش‌نامه‌نویس را که به قلم خودشان به سوالات ما پاسخ داده‌اند بخوانید؛ پاسخ‌هایی که گفتنی‌های زیادی برای مخاطبانِ علاقه‌مند به نمایش نامه دارد.

بعضی‌ها نمایش‌نامه را معادل دیالوگ‌نویسی می‌دانند. یعنی فکر می‌کنند همین که دو یا چند نفر با هم حرف بزنند، نمایش‌نامه نوشته شده است. نظر شما چیست؟

بله. موافقم که در میان نویسنده‌های ما، هنوز هستند کسانی که فکر می‌کنند دیالوگ‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی است. اما گفت‌وگو، فقط یک بخش از کار را تشکیل می‌دهد. بخش مهم نمایش‌نامه، داستان یا قصه آن است. این داستان است که ما را به عنوان مخاطب، با متن نمایش‌نامه درگیر می‌کند و به قول معروف، خط روایی و درام اثر است که باعث به وجود آمدن ستیز میان شخصیت‌های نمایشی می‌شود.

دیالوگ، محمل ایجاد ستیز است. ما به عنوان نمایش‌نامه‌نویس باید تلاش کنیم هر دیالوگی که برای دو شخصیت نمایشی می‌نویسیم، باعث کنش در مخاطبش شود. به عبارت ساده‌تر اگر دو نفر دارند در نمایشی با هم حرف می‌زنند، دیالوگ‌ها را باید به شکلی طراحی کرد که سخن هر شخصیتی، دیگری را به واکنش وادار کند. این دیالوگ، دیالوگ ستیزمندانه است. نه این که دو نفر را بنشانیم روبه‌روی هم و یک ساعت با هم حرف بزنند و مدام یکدیگر را تأیید کنند یا اصلا مدام یکدیگر را تکذیب کنند. این که کنش و واکنش در اماتیکی ندارد. کنش و واکنش دراماتیک آن است که شخصیت‌ها باعث تحول هم بشوند، نه آن که مدام با هم مخالفت کنند. از این منظر، متأسفانه در نمایش‌نامه‌نویسی خراسان، بسیار بسیار نقاط ضعف وجود دارد.

برای شروع نمایش‌نامه‌نویسی چه گام‌هایی باید برداشت؟ برای آن‌ها که علاقه‌مند به نوشتن نمایش‌نامه هستند، چه پیشنهادی دارید؟

آموزش. آموزش هم فقط منحصر به کارگاه‌های آموزشی نیست. ما باید تلاش کنیم در دومین قطبِ تئاتر کشور، رشته‌های دانشگاهی در زمینه تئاتر و ادبیاتِ نمایشی داشته باشیم. زشت است که در مشهد، به عنوانِ دومین قطب تئاتر کشور، هنوز یک رشته دانشگاهی در زمینه تئاتر نداریم. این خلأ را فعلا کارگاه‌های آموزشی پر کرده‌اند. ولی مربیان این کارگاه‌ها مگر چقدر قدرت و زمان آموزشی دارند؟ یک هنرجو در کارگاه‌های ما در بهترین حالت، فقط هشت ماه تحت تعلیم است. در حالی که می‌توانست در دانشگاه به مدت چهار سال مدام با موضوع تئاتر درگیر باشد.

ولی چاره‌ای نیست جز آن که نمایش‌نامه‌نویسی را به صورت آکادمیک و از طریق آموختن بیاموزیم. یک بخش کار استعداد است. بخش‌های دیگرش را علم نمایش‌نامه‌نویسی تشکیل می‌دهد.

کتاب‌های آموزشی تئوری را که در این زمینه وجود دارد، معرفی کنید.

پاسخ من خطاب به کسانی است که می‌خواهند تازه دست به قلم ببرند. به این عزیزان، کتاب‌های زیادی می‌توان معرفی کرد. یک نمونه ساده‌اش «نمایش‌نامه‌نویسی» نوشته «آنجلو پارا» است؛ کتابی ساده، آکادمیک و بسیار روان که انتشارات دامیز منتشر کرده است. همچنین می‌توان به کتاب‌های «راهنمای عملی نمایش‌نامه‌نویسی» از «نوئل کِرگ» اشاره کرد که به باور من برای کسی که می‌خواهد دست به قلم ببرد و درام بنویسد، بسیار سودمند است. کتاب دیگری هست که من دوستش دارم: «نوشتن با تنفس آغاز می‌شود» از «لرن هرینگ». این کتاب تجربیات شخصی نویسنده است که شامل تمرین، اتود و حتی نرمش و تنفس صحیح است. همچنین «خلق شخصیت‌های ماندگار» از «لیندا سیگر» یا کتاب «نشانه‌شناسی متن و اجرای تئاتری» از «آلن استین و جرج ساوانا» که بسیار توصیه می‌کنم هم کارگردان‌ها بخوانند هم درام‌نویس‌ها. از نویسندگان ایرانی هم می‌توانم به کتاب «آناتومی ساختار درام» از «نصرا... قادری» اشاره کنم. کتاب بسیار سودمندی برای شناخت شاکله درام است. به باور من باید آن را خواند.

خواندن کتاب‌های چخوف، شکسپیر، میلر یا موارد مشابه دیگر، به چه شکل به ما کمک می‌کند تا بتوانیم یک نمایش‌نامه خوب بنویسیم؟

الگو برداری یکی از روش‌های مرسوم و قدیمی در امر آموزش است. حتی شکسپیر هم از این روش برای نوشتن متن‌های شاهکار خود استفاده می‌کرد. شکسپیر آثار درام یونان باستان را دقیق می‌خواند، چارچوب‌های مرسوم آثار را کشف می‌کرد، خط سیر داستان را می‌یافت و در نهایت بر مبنای یک الگوی کلی، دست به خلق اثری تازه می‌زد. این بار اما از دریچه چشم خود و با جهان‌بینی و دغدغه‌های روزش. خواندن آثار موفق درام جهان می‌تواند به ما الگو بدهد. مثلا ببینید شکسپیر در کدام پرده شخصیت اصلی‌اش را معرفی می‌کند؟ در کدام پرده گره‌افکنی و در کدام پرده گره‌گشایی می‌کند؟ این‌ها همه می‌توانند به ما نوآموزان و هنرجویان کمک کند که بتوانیم به طرح و الگوی مشخصی برسیم و بعد در آثارمان آن‌ها را بازتولید کنیم. نه این که تقلید کنیم! نه! به این معنا که از الگوها تبعیت کنیم تا خود به الگوی مشخصی دست بیابیم. به مفهوم ساده‌تر، ما اول قواعد را می‌شناسیم تا بعد، آن قواعد را بشکنیم. چون فقط در این صورت است که صاحب سبک خواهیم شد.

> باید تلاش کنیم در دومین قطبِ تئاتر کشور، رشته‌های دانشگاهی در زمینه تئاتر و ادبیاتِ نمایشی داشته باشیم. زشت است که در مشهد، به عنوان دومین قطب تئاتر کشور، هنوز یک رشته دانشگاهی در زمینه تئاتر نداریم

در کلاس‌های نمایش‌نامه‌نویسی چه می‌گذرد؟ رفع چه نیازها و پیش‌نیازهایی برای شرکت در آن‌ها لازم است؟

ما در کلاس‌های آموزشی اول سراغ چهار چیز می‌رویم: ادبیات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و بعد فلسفه. این چهار تا، رکن اساسی و بنیاد همه کارهایی است که بعدا انجام می‌دهیم. در این کلاس‌ها ما قصد نداریم حتما و الزاما نمایش‌نامه‌نویس بشویم. نه! ما فقط می‌خواهیم به درک بهتری از درام برسیم. اگر توانستیم آثاری را خلق کنیم، فبها. به باور من برای آمدن به این کلاس‌ها هیچ پیش‌نیازی وجود ندارد مگر یک چیز: «توقع نمایش‌نامه‌نویس شدن نداشته باشیم». چون ما خیال می‌کنیم اگر وارد این دوره‌ها بشویم، قطعا از آن طرف درام‌نویس بیرون می‌آییم. در حالی که این طور نیست. این فقط اول راه است. بعد از پایان دوره، تازه ما وارد گردونه‌ای می‌شویم که به آن «اجرا» می‌گویند. این اول بدبختی‌ها و نقدها و پژوهش‌ها و تجربه‌ها و تجربه‌ها و تجربه‌هاست. تازه آن‌جا متوجه می‌شویم که آن چه آموختیم، یک بخش کوچک بود. بخش بزرگ‌تر را تماشاگران به ما می‌آموزند. اما به هر حال در این دوره‌ها ما در طول سه ترم، با نمایش‌نامه‌های کلاسیک، نمایش‌نامه‌های مدرن و در نهایت با نمایش‌نامه‌نویسی به شیوه کارگاهی آشنا می‌شویم. تضمین هم می‌دهیم که اگر کسی واقعا قلم خوبی داشته باشد، آثارش را پشتیبانی کنیم تا به اجرا برساند. من این قول را به همه هنرجویانم داده‌ام و می‌دهم.

از نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی، آثاری معرفی کنید.

من عاشق کارهای آقای بهرام بیضایی هستم. این مرد، یکی از بزرگ‌ترین مفاخر و مایه آبروی نمایش ایرانی است. جز ایشان، آثار رادی، چرمشیر، حسین پناهی، ایوب آقاخانی، چیستا یثربی، جناب رضا صابری، محمد مساوات، شهیار قنبری، رضا کرم‌رضایی و خیلی‌های دیگر را هم می‌خوانم. من بیشتر روی ادبیات غرب کار کرده‌ام. آثار آن‌ها را می‌شناسم و با متد و شیوه آن‌ها بیشتر آشنا هستم. اما آثار ایرانی چندان به دلم نمی‌نشیند. مگر همین چند نفری که اسم بردم. جز این‌ها مثلا آثاری از خانم نغمه ثمینی را خوانده‌ام که به نظرم خیلی خوب است. ولی خب! با آن چه در ادبیات غرب می‌گذرد، بسیار فاصله دارد. معرفی کتاب را هم به صورت کلی عرض می‌کنم. دیوان نمایش آقای بیضایی یک گنجینه است که باید در خانه هر تئاتری ایرانی باشد. تک و توکی از آثار آقای چرمشیر را دوست دارم که اسم نمی‌برم. و همین طور یکی دو تا از نمایش‌نامه‌های آقای رادی و خانم ثمینی را. چند تا از آثار آقای صابری را هم خوانده‌ام و دو سه تایشان را خیلی دوست دارم. بقیه اگر باشد، کتاب‌های حوزه تئوری است. مثل آثاری که آقای جلال ستاری ترجمه کرده‌اند یا همین اثر آناتومی ساختار درام از آقای قادری. بیشتر ترجمه‌های عزیزان ایرانی در دست است. ما متأسفانه در زمینه نظری، جز چند مورد بسیار محدود، کسی را نداریم که به مقوله تئاتر ورود کرده باشد.

گزارش

خانه موزه «سیمین و جلال» آماده افتتاح نیست

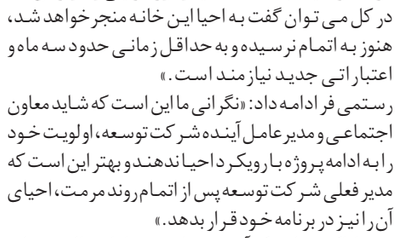

به‌رغم اعلام مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری مبنی بر بازگشایی خانه موزه جلال، مدیر اجرایی این طرح معتقد است بهره‌برداری از این خانه به سه ماه دیگر زمان نیاز دارد. به گزارش مهر، هرچند به تازگی علیرضا جعفری، مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران، از بازگشایی خانه موزه سیمین دانشور و جلال آل‌احمد در هجدهم اسفندماه امسال خبر داده است اما علی‌الظاهر این خانه هنوز آماده بهره‌برداری نیست.

فرزان رستمی‌فر مدیر طرح و نظارت این پروژه با اشاره به این که خانه سیمین و جلال را می‌توان «خانه داستان‌نویسی مدرن ایران» تلقی کرد، بیان کرد: «پس از درگذشت سیمین دانشور این خانه از محل منابع عمومی شهرداری تهران به درستی خریداری شد ولی بعد از آن کار اجرایی مرمت و احیا، به سرعت شکل اجرایی به خود نگرفت. البته می‌توان در این موضوع بحث اعتبارات لازم و نیز حساسیت‌های موجود درباره خود بنا را نیز در نظر گرفت. به هر تقدیر در دوره مدیریت جدید شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، به دلیل علاقه و اهتمام شخص مدیرعامل، اعتباراتی درون سازمانی برای مرمت این بنا تامین و عملیات اجرایی مرمت آن آغاز شد.» وی ادامه داد: «شاید این ساختمان امروز با قدری چشم‌پوشی به مرحله بهره‌برداری از منظر مرمت رسیده باشد اما احیا و موزه‌آرایی و مواردی که در کل می‌توان گفت به احیا این خانه منجر خواهد شد، هنوز به اتمام نرسیده و به حداقل زمانی حدود سه ماه و اعتباراتی جدید نیاز مند است.»

رستمی فر ادامه داد: «نگرانی ما این است که شاید معاون اجتماعی و مدیرعامل آینده شرکت توسعه، اولویت خود را به ادامه پروژه‌ها رویکرد احیا ندهند و بهتر این است که مدیر فعلی شرکت توسعه پس از اتمام روند مرمت، احیای آن را نیز در برنامه خود قرار بدهد.»

وی با تاکید بر این که آن چه در اسفندماه امسال می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار بگیرد با قدری اغماض، مرمت خانه است، تصریح کرد: «مسئله تجهیز خانه و موزه‌آرایی زمان‌بر خواهد بود. البته من درک می‌کنم که برای این مسئله با کمبود منابع روبه‌رو خواهیم بود اما به نظرم این افتتاح یعنی گذشتن از ایجاد برخی آیتم‌های ضروری برای بازآفرینی این مکان تاریخی؛ با این همه به باور من در نبود منابع مالی بهتر است پروژه‌ای به بهره‌برداری نرسد تا این که به شکلی ناقص به آن اسم بهره‌برداری را بدهیم.» رستمی فر با اشاره به این که مشاور هر پروژه فرهنگی باید خود را امین منابع عمومی بداند و مسئولیت سلامت و عملیات فنی آن را بپذیرد، بیان کرد: «روند مرمت فیزیکی ساختمان هنوز کارهای باقی‌مانده‌ای دارد و در مرحله بعد نباید فکر کرد با ترمیم چند شی و گذاشتن آن‌ها بر سر جای خود کار تمام خواهد بود. این خانه از کاربری شخصی در حال واسپاری به عرصه حقوق عمومی است و بر همین اساس روند احیای ساختمان و موزه‌آرایی به حداقل سه ماه دیگر زمان نیاز خواهد داشت.»

اجرای محمد علیزاده در جزیره کیش

چهره‌ها
خواننده پاپ

کنسرت محمد علیزاده روز پنج شنبه ۲۶ بهمن ماه در تالار شهر جزیره کیش با حضور مخاطبان برگزار می‌شود. به گزارش میزان، محمد علیزاده خواننده موسیقی پاپ در جدیدترین کنسرت خود در جزیره کیش روی صحنه می‌رود. علیزاده در این کنسرت قطعات منتشر شده قدیم و جدید خود از جمله "چهل درجه" را برای مخاطبان اجرا می‌کند. آخرین کنسرت محمد علیزاده در چهارمین روز سی و سومین جشنواره موسیقی فجر روز شنبه بیست و سوم دی ماه سال ۹۶ در سالن همایش‌های ایرانیان برگزار شد.

زهرا زواریان با «مریم» آمد

چهره‌ها
نویسنده

زهرا زواریان نویسنده رمان «مریم» با محوریت حضرت مریم(س) به زندگی این بانو پرداخته است. به گزارش فارس، زواریان با مطالعه تاریخ و بهره گرفتن از قرآن کریم، به نگارش این اثر پرداخته است. رمان «مریم» روایتی است که از جانب راوی بیان می‌شود. کتاب دارای پنج فصل است که پنج پرنده پنج فصل کتاب آن را روایت می‌کنند. این کتاب از زبان پرندگان روایت می‌شود و مقاطع مختلف زندگی آن حضرت را روایت می‌کند. زواریان پیش از این به فارس گفته بود: در رمان «مریم» سعی کرده‌ام با فرم جدیدی به زندگی حضرت مریم(س) بپردازم.

مجوز کنسرت «کیتارو» در تهران صادر شد

چهره‌ها
خواننده

«ماسانوری تاکاهاشی» ملقب به «کیتارو» سه سال پس از اجرای پرطرفدارش در تهران که با استقبال و تمدید چند باره کنسرتش روبه‌رو شد، بار دیگر در تهران به اجرای برنامه خواهد پرداخت و همه مجوزهای این کنسرت صادر شده است و بلیت فروشی آن به زودی آغاز خواهد شد. علی چراغعلی تهیه کننده این کنسرت درباره این برنامه به باشگاه خبرنگاران گفت: «طبق برخی برنامه ریزی‌ها از سوی ما و آقای کیتارو، تصمیم گرفتیم در اردیبهشت سال ۹۷ این کنسرت در تهران و چند شهر دیگر در کشور روی صحنه برود.»

زمان لازم برای مطالعه: ۵ دقیقه

داستان کوتاه

سیاهی

شرمین نادری- تا چشم کار می‌کرد همه‌جا سبز بود، سبز و قشنگ و نورانی و بلند، با گل‌های ریز ریز و ابرهای پر از باران. ماشین توی پیچ پیچ دره‌ها مثل اسبی دیوانه می‌رفت به سمت انتهای کوره راهی که بی‌دلیل انتخابش کرده بودیم و ما که سرنشینانش بودیم، نمی‌دانستیم دست آخر این سبزی می‌بلعدمان یا فقط توی پیچ‌هایش گم می‌شویم. باران هم البته ریزریز می‌بارید و کسی توی جاده نبود، به جز مردی که لباس خیسش چسبیده بود به تنش و صورتش سیاه سیاه بود، مثل حاجی فیروزی خسته و غمگین که از کار برگشته باشد. گمانم کارگر معدن باشی، این را هم راننده پرسیده بود از مرد و او هم گفته بود هستم و بعد گفته بود انتهای کوره راه چیزی نیست جز معدن، معدنی متروک و ویران که دیدن ندارد. ما اما بی‌هوا رفته بودیم و پیچیده بودیم سمت راه باریک و حواسمان نبود که کم کم دارد شب می‌شود و سیاهی دارد جای سبزی را می‌گیرد و کوه‌های سرسبز شمالی دارد می‌رود زیر لحافی از زغال و سنگ و زغال سنگ البته. بعد اما گمانم کسی گفت بیین و کسی با انگشت دره‌ای را نشان داد و بعد آن سیاهی غریب آمد و بردمان. تلی از زغال بود که مثل بختک افتاده بود روی تپه‌های سبز و به راه صدمه زده بود و سر می‌سایید به آسمان و هرچه سبز بود سیاه و تاریک می‌کرد. همان وقت بود که مارسیدیم و ایستادیم و نگاه کردیم به معدن متروکه که تاریک تاریک بود و زیر باران مثل اژدهایی سیاه و ترسناک خوابیده بود و حتی نفس هم نمی‌کشید، درست روبه رویش اما شهری بود با دیوارها، پنجره‌ها و ساختمان‌ها، مدرسه و میدان و تابلو درمانگاه و شهرداری و جاده و پله و دیوار، مثل هرشهر دیگری و البته همه یک سر متروک و خاموش. مردم کجا هستند، این راهم من پرسیده بودم و جوابی نبود، مردم از این شهر رفته بودند، لابد همان وقتی که معدن ریخته بود آن طور، سیاهی دلش منفجر شده بود روی تپه‌های سبز و مردهای جوانی که توی شکمش بودند، به جست و جوی لقمه نانی، برای همیشه همان جا مانده بودند.

شهر قشنگ ترسناکی بود، اما شیرین نبود، جا پای آدم‌های زنده اما رفته را داشت، مثل پیرزنی بود که رد زیبایی روی چشم‌ها و دهانش مانده باشد، اما وقتی بخندد غاری توی صورتش باز شود که ببلعدت. همین هم بود لابد که ما جرئت قدم زدن در شهر را پیدا نکردیم، سوار ماشین شدیم و دور زدیم و زیر باران برگشتیم.

می‌دانستیم آن‌جا اتفاق بدی افتاده، می‌دانستیم آدم‌های غمگین و تنهای زیادی آن‌جا روی سبزه‌ها و گل‌ها چشم به زمین دوخته‌اند بلکه باز شود و مردمی که بلعیده پس بدهد. می‌دانستیم جنگی بوده آن‌جا، جنگ آدم با زمین و آن کسی که با صورتی سیاه و دل سرخ، برای پیدا کردن راهی در دل زمین تاریک می‌رفته هرگز بالا نیامده.

ماشین مثل اسبی در آن دشت سبز می‌دوید و ما هی دورتر و دورتر می‌شدیم و فراموش می‌کردیم که صورت آن مرد که خانه‌اش در میان دره‌های سبز و باران و بهار بود، هنوز هم سیاه مانده بود و شاید تنها رد اشک بود که مثل جویباری از دل آن همه تاریکی می‌گذشت و رنگی روشن به گونه آن مرد جوان می‌زد.

ما مردم گذری بودیم، مردم فراموشکار سفری، برای دیدن بهار می‌آمدیم و زمستان را یادمان می‌رفت، فراموشی گرفته بودیم، نامرد بودیم، ناجوانمرد حتی، همین هم بود که سیاهی به تنمان می‌ماند، سیاهی صورت آن‌ها که زیر خاک می‌رفتند و چراغشان دل روشن‌شان بود و این قدر می‌ماندند که همه ما فراموششان می‌کردیم. ما می‌دانستیم و می‌گریختیم و آخ اگر خدا بخشدمان.

پ ن: برای آن سیاه جامگانِ سپیددلی که به اعماق سیاهی رفتند و گوهر دل زمین شدند.

اینفوگرافی

ایرانی‌ها چه کتاب‌هایی می‌خوانند؟

گروه ادب و هنر- شکی نیست برای پاسخ دادن به سوال بالا نیاز به روشن شدن موضوعات زیادی است. در زمستان سال گذشته در پژوهشی که در دانشگاه آزاد اسلامی و در قالب یک پایان نامه کارشناسی ارشد انجام شد، مشخص شد در نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال گذشته بیشترین میزان خرید کتاب را دختران دانشجوی مجرد انجام داده‌اند. آن ها بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در یک نوبت بازدید از نمایشگاه کتاب صرف خرید کتاب‌های درسی کرده‌اند. جالب تر این که این دختران به طور عمده دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده‌اند. وضعیت کتاب‌های عمومی نیز بهتر از این نیست و به اعتبار همین پژوهش این آثار با فاصله معناداری پس از کتاب های درسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. اما ماجرا زمانی جالب‌تر می‌شود که بدانیم در همین مراجعه اندک به کتاب‌های عمومی نیز غلبه با آثار ترجمه شده است. به عبارت دیگر وقتی مخاطبان ایرانی فرصت و انگیزه کتاب خوانی داشته باشند آن هم بدون دغدغه‌های کاری و تحصیلی، آثار صاحبان قلم داخلی چندان برای آن ها دندان گیر و قابل اعتنا به شمار نمی‌رود.

بر اساس آمار منتشر شده در اینفوگرافی خبرگزاری شبستان که بعد از اجرای طرح «پاییزه کتاب» و در بهمن ماه امسال تهیه شده است، می توان اقبال مردم به خرید رمان را مشاهده کرد. البته متاسفانه بیشتر این فروش متعلق به آثار داستانی و عمومی غیر ایرانی و ترجمه بوده و این به زبان ساده به معنای آن است که حرف مولفان داخلی چندان خریداری در میان مخاطبان ندارد.

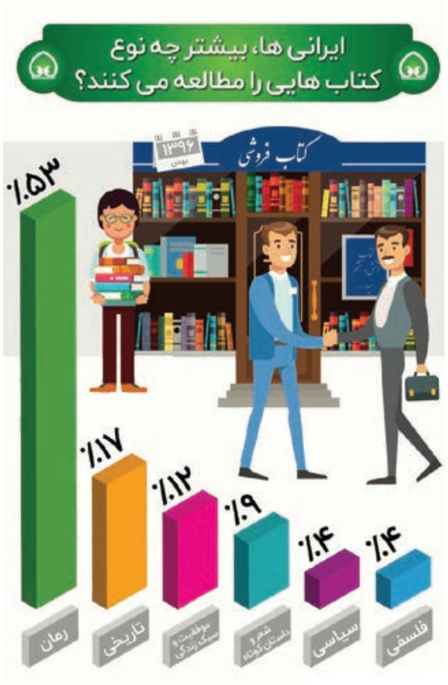

دیتا: زورتالیست: مهدی دل‌روشن

موسیقی

کنسرت «آوای شفق» در حوزه هنری برگزار می‌شود

کنسرت ارکستر «آوای شفق» با خوانندگی حسین ضروری و همراهی گروه کُر، هفته دوم اسفندماه در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود. به گزارش فارس، مجید فلاح‌پور تهیه کننده کنسرت «آوای شفق» گفت: «حسین ضروری رهبر و سرپرست ارکستر «آوای شفق» که مشتمل بر ۸۰ نوازنده و خواننده گروه کُر است، به اجرای رپرتواری از قطعات کلاسیک، فولکلور و پاپ کلاسیک می‌پردازد.» کنسرت حسین ضروری با همراهی گروه کُر و ارکستر «آوای شفق»، تهیه کنندگی مجید فلاح پور و مدیریت اجرایی آیدا امیری مقدم نهم اسفندماه در تالار اندیشه حوزه هنری روی صحنه می‌رود.

«نم‌نم باران کجاست» در بازار موسیقی

آلبوم «نم‌نم باران کجاست» با ترانه‌سرایی و آهنگ سازی فضل ا... توکل، خوانندگی مسیح مریمی و تنظیم بابک شهرکی منتشر و روانه بازار موسیقی شد. به گزارش فارس، این آلبوم شامل ۹ قطعه است که در فضای موسیقی سنتی و پاپ ساخته و تهیه شده است.

بررسی گروه‌های عارف و شیدا در رادیو

برنامه رادیویی «عندلیب» به بررسی موسیقی‌هایی می‌پردازد که در دوره پیروزی انقلاب توسط گروه‌های عارف و شیدا خلق شد. این گروه‌ها از بهترین موسیقی‌دانان آن دوران مثل محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، شهرام ناظری و تجویدی تشکیل شده بود. به گزارش ایسنا، با توجه به فضای دوران پیروزی انقلاب، موسیقی‌هایی بر پایه اصیل‌ترین ملودی‌های ایرانی ساخته و در تاریخ موسیقی ایران به عنوان فصلی درخشان ماندگار شد. در این برنامه به مرور و تحلیل این ساخته موسیقی که به نام «چاوش‌ها» شناخته شده، پرداخته می‌شود. «عندلیب» به نویسندگی و تهیه کنندگی سعید مبشری، گویندگی داوود حیدری و کارشناس مجری علی رضا امینی پنج شنبه ساعت ۲۲ پخش می‌شود.